

## ارزیابی بلندمدت تأثیر مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان در مناطق شهری و روستایی

وحید دریکوند<sup>۱</sup>، فاطمه پورسرتیپ<sup>۲</sup>، جمال حویزی<sup>۳</sup>، سارا ایزدیناه<sup>۴</sup>، مهدی ارزیده<sup>۵</sup>، زینب همتی ملا<sup>۶</sup>

- ۱- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.
- ۲- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.
- ۳- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.
- ۴- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.
- ۵- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.
- ۶- کارشناسی ارشد رشته روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، استان خوزستان، ایران.

### چکیده

اضطراب و کاهش انگیزه تحصیلی دانش آموزان از جمله چالش های مهم نظام آموزشی کشور است که می تواند عملکرد تحصیلی و سلامت روانی آن ها را تحت تأثیر قرار دهد. مشارکت فعال والدین در فرآیند آموزشی، به ویژه از طریق جلسات مشاوره مدرسه، یکی از راهکارهای مؤثر در کاهش این مشکلات شناخته شده است. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر بلندمدت مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان در مناطق شهری و روستایی شهرستان اندیمشک انجام شده است. قلمرو زمانی این پژوهش از مهر ماه ۱۴۰۳ تا فروردین ماه ۱۴۰۴ بوده و جامعه آماری آن را کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهرستان اندیمشک و والدین آن ها تشکیل می دهند. روش پژوهش از نوع کمی و به صورت نیمه آزمایشی با گروه کنترل است. داده ها از طریق پرسشنامه استاندارد اضطراب اسپنس و پرسشنامه انگیزه تحصیلی هارتر جمع آوری شده و با استفاده از آزمون های آماری t مستقل و تحلیل واریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. یافته های پژوهش نشان داد که مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، به طور معناداری منجر به کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان می شود. این تأثیر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. این یافته ها نشان داد که مداخله های مبتنی بر مشارکت والدین، قادرند فضای آموزشی را به محیطی امن تر و محرک تر برای یادگیری تبدیل کنند. تحلیل واریانس، تفاوت معناداری را در تأثیرگذاری این مشارکت بین مناطق شهری و روستایی نشان داد که می تواند ناشی از بافت فرهنگی و اجتماعی متفاوت این مناطق باشد. بر اساس نتایج، پیشنهاداتی برای افزایش مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان ارائه شده است. این پیشنهادات شامل برگزاری کارگاه های آموزشی برای والدین و طراحی برنامه های مشارکتی مبتنی بر نیازهای خاص هر منطقه است. همچنین، تأکید بر نقش مشاوران مدارس در ایجاد ارتباط مؤثر و مستمر با والدین و ارائه راهکارهای عملی برای مشارکت آنان در فرآیند آموزش و پرورش از جمله توصیه های کلیدی است.

**کلمات کلیدی:** مشارکت والدین، اضطراب دانش آموزان، انگیزه تحصیلی، مشاوره مدرسه، مناطق شهری و روستایی

مقدمه :

آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهم ترین ارکان رشد و توسعه پایدار هر کشور، نقشی بنیادین در شکل گیری شخصیت، نگرش و مهارت های نسل آینده ایفا می کند. هیچ جامعه ای بدون برخورداری از نظام آموزشی کارآمد و حمایت کننده قادر به رویارویی مؤثر با چالش های عصر جدید نخواهد بود. در چنین بستری، سرمایه گذاری بر روی آموزش و پرورش نه تنها سرمایه گذاری برای رشد اقتصادی، بلکه بنیان گذاری بر سلامت اجتماعی، فرهنگی و علمی کشور نیز محسوب می شود. در این فرآیند کلیدی، دانش آموزان به عنوان آینده سازان جامعه، بیش از پیش نیازمند توجه ویژه و حمایت چندجانبه از سوی نهادهای مختلف، به ویژه خانواده و مدرسه هستند. رشد متوازن ذهنی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان زمانی محقق می شود که مدرسه و خانواده به عنوان دو رکن اصلی تربیت، در مسیر اهداف آموزشی و تربیتی همسو و هم افزا حرکت کنند. (متولی جویباری و همکاران، ۱۴۰۳)

در دهه های اخیر، تحولات سریع جهانی و تأثیر روزافزون فناوری های ارتباطی و اطلاعاتی، منجر به افزایش پیچیدگی ها در زندگی روزمره دانش آموزان شده است. تغییر ساختارهای خانوادگی، نوسانات اقتصادی، گسترش رسانه های اجتماعی و تغییر انتظارات جامعه از افراد، همه و همه بر روحیه و انگیزه دانش آموزان اثرگذار هستند. فشارهای ناشی از رقابت های تحصیلی شدید، نگرانی های مربوط به آینده شغلی و اجتماعی و دخالت عوامل محیطی مانند ضعف ارتباطات خانوادگی یا کمبود منابع حمایتی، بر سطح اضطراب دانش آموزان می افزاید. این شرایط دشوار می تواند منجر به بروز اختلالات روانی از جمله اضطراب، افسردگی و کاهش اعتماد به نفس در بین نوجوانان و جوانان شود؛ علاوه بر این، کاهش انگیزه تحصیلی صرفاً یک مشکل آموزشی نیست و پیامدهای جدی بر سلامت روانی، اجتماعی و حتی هویت فردی دانش آموزان دارد. (حسنی زنگبار و لیوارجانی، ۱۳۹۶)

نقش خانواده به عنوان نخستین نهاد تربیتی، امروز بیش از هر زمان دیگری مورد توجه محققان و سیاست گذاران قرار گرفته است. شواهد علمی و تجربی نشان می دهد که حمایت عاطفی، حضور فعال و ارتباط سالم والدین با فرزندان، می تواند سپری مقاوم در برابر فشارهای روانی محیطی باشد و زمینه ساز موفقیت تحصیلی آتی گردد. از طرف دیگر، فقدان ارتباط اثربخش میان والدین و مدرسه یا عدم مشارکت فعال خانواده ها در فرآیند یادگیری فرزندان، می تواند زمینه ساز بروز ناامیدی، بی تفاوتی و افت چشمگیر انگیزه تحصیلی شود. این موضوع به ویژه در سنین حساس نوجوانی که مرحله هویت یابی و پذیرش مسئولیت است، اهمیت دوچندانی می یابد. در چنین شرایطی، مدرسه باید به عنوان حلقه واسطی میان دانش آموز و خانواده عمل کرده و سطح همکاری و مشارکت را ارتقا دهد.

یکی از موثرترین راهکارها برای تقویت این ارتباط و افزایش سطح حمایت دانش آموزان، برگزاری جلسات منظم مشاوره مدرسه با حضور فعال والدین است. این جلسات به عنوان بستری برای تبادل نظر، انتقال تجربیات و تعامل سازنده میان والدین، معلمان و مشاوران، می تواند به شناسایی و حل یکپارچه تر مشکلات رفتاری، آموزشی و عاطفی دانش آموزان کمک شایانی نماید. تجربه کشورهای موفق و نتایج پژوهش های علمی نیز بیانگر آن است که مشارکت خانواده ها در تصمیم گیری های آموزشی، برنامه ریزی های تربیتی و فرآیندهای مشاوره ای مدرسه، تأثیر بسزایی بر افزایش انگیزه تحصیلی و کاهش اضطراب نوجوانان دارد. (Masia Warner et al., ۲۰۱۶)

افزون بر این، توجه به تفاوت های محیطی، فرهنگی و اجتماعی مناطق مختلف نیز در اثربخشی این مشارکت نقش تعیین کننده ای دارد. در مناطق شهری، چالش هایی نظیر مشغله کاری والدین، افزایش فاصله عاطفی و گاه بی توجهی به

فرآیند تربیتی فرزندان، مشکلات خاص خود را ایجاد می کند. در مقابل، در مناطق روستایی هرچند نوعی نزدیکی و پیوستگی خانوادگی بیشتر دیده می شود، اما کمبود امکانات مشاوره ای و محدودیت منابع آموزشی ممکن است امکان موفقیت برنامه های حمایتی را با چالش مواجه سازد. بنابراین، راهکارهای اجرایی و مدل های مشارکت والدین باید متناسب با ویژگی ها و نیازهای هر منطقه طراحی و اجرا شوند تا حداکثر اثربخشی و کارآمدی حاصل گردد. (تاجی پور و همکاران، ۱۳۹۸)

به طور خلاصه، اهمیت بررسی نقش مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه نه تنها برای ارتقاء کیفیت فرآیند یاددهی - یادگیری، بلکه برای بهبود وضعیت روانی و اجتماعی دانش آموزان ضرورتی انکارناپذیر است. تداوم این حمایت ها، نه تنها اضطراب و نگرانی های تحصیلی نوجوانان را کاهش می دهد، بلکه انگیزه و رغبت آن ها برای مشارکت فعال در فعالیت های آموزشی و تربیتی را نیز به شدت افزایش می دهد. بدیهی است برنامه ریزی دقیق، استفاده از تجارب موفق جهانی و بومی سازی رویکردها متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی هر منطقه از جمله شهرستان اندیمشک، می تواند الگوی مناسبی جهت تحقق این اهداف باشد. در نهایت، انتظار می رود نتایج حاصل از این پژوهش ضمن ارائه تصویری روشن از تأثیرات بلندمدت مشارکت والدین بر ابعاد روحی و تحصیلی دانش آموزان، راهنمایی کاربردی برای مدیران، مشاوران و سیاست گذاران آموزش و پرورش فراهم آورد تا با درک عمیق تر از اهمیت این موضوع، به تدوین برنامه های عملیاتی و سیاست های حمایتگرانه مؤثرتر دست یابند. تکیه بر پژوهش های علمی در اتخاذ تصمیمات آموزشی، چرخه ی بهبود مستمر و افزایش بهره وری نظام تعلیم و تربیت را تسهیل می کند و زمینه ساز رشد همه جانبه دانش آموزان، به عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی کشور خواهد بود.

## ۲. بیان مسئله

اضطراب و کاهش انگیزه تحصیلی دو مسئله بنیادین و در عین حال پیچیده در نظام آموزشی معاصر ایران و بسیاری از کشورهای جهان به شمار می آید. این مشکلات نه تنها به صورت مستقیم بر فرآیند یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارند، بلکه پیامدهای گسترده ای بر سلامت روانی و اجتماعی آنان نیز به دنبال دارند. اضطراب تحصیلی یکی از شایع ترین اختلالات روانشناختی دوران نوجوانی و جوانی است که می تواند خود را به صورت اختلالات اضطرابی، استرس مفرط، کاهش تمرکز، مشکلات خواب و اختلالات جسمی همچون سردرد و دل درد نشان دهد. این فشارهای روانی در بلندمدت امکان دارد منجر به کاهش اعتماد به نفس، فرار از مدرسه، ترک تحصیل زودهنگام، ضعف در روابط اجتماعی و حتی شکل گیری رفتارهای پرخطر شود. از سوی دیگر، کاهش انگیزه تحصیلی به معنای کاهش علاقه، انرژی و تلاش دانش آموز در جهت دستیابی به اهداف یادگیری است که اغلب با افت نمرات درسی، عدم مشارکت در کلاس، رفتارهای منفعلانه و عقب نشینی از فعالیت های آموزشی-پرورشی همراه است. این دو معضل، آینده علمی، شغلی و حتی اجتماعی نسل های آتی را تهدید می کند و چالش های بزرگی را برای نظام آموزشی و برنامه ریزان این حوزه به وجود آورده است.

عواملی که زمینه ساز اضطراب و کاهش انگیزه تحصیلی در دانش آموزان می شوند، بسیار متنوع و چندبعدی اند؛ از ویژگی های فردی مانند ویژگی های شخصیتی، سطح هوش، مهارت های مقابله ای و ظرفیت سازگاری گرفته تا متغیرهای محیطی نظیر وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، سبک های فرزندپروری، رابطه والدین با یکدیگر و با فرزند، فضای روانی و آموزشی

مدرسه و حتی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آموزشی. هر یک از این عوامل، به تنهایی و یا در تعامل با یکدیگر می‌توانند بر روحیه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز تأثیرگذار باشند. اما در این میان، نقش خانواده و خاصه والدین، به دلیل نزدیکی عاطفی و تأثیرگذاری مستمر، اهمیت ممتازی دارد. والدینی که نه تنها از لحاظ امکانات مادی بلکه از نظر عاطفی و روانی فرزندان خود را حمایت می‌کنند، امکان بروز اضطراب را کاهش و شور و انگیزه برای موفقیت را تقویت می‌کنند. در مقابل، والدینی که به دلیل مشکلات شخصی، فشارهای اقتصادی یا ناآگاهی فاصله معناداری با فرزندان خود ایجاد کرده‌اند، ناخواسته فرصت‌های رشد روانی و علمی آنان را محدود می‌سازند. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰)

در محیط‌های آموزشی، تعامل و همکاری مستمر میان خانه و مدرسه به عنوان یک اصل شناخته شده مطرح است. این همکاری در قالب مشارکت والدین در جلسات مدرسه، همکاری در امر مشاوره، شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه، همکاری در برنامه‌ریزی آموزشی و از همه مهم‌تر مشارکت در جلسات مشاوره مدرسه نمود می‌یابد. جلسات مشاوره مدرسه به والدین این امکان را می‌دهد که از وضعیت تحصیلی، رفتارهای اجتماعی، مسائل عاطفی و نیازهای فرزند خود آگاهی یافته و در عین حال ارتباط فعال و مؤثری با معلمان و مشاوران مدرسه برقرار کنند. اما واقعیت صحنه آموزشی، خصوصاً در بسیاری از مناطق کشور، حاکی از کم‌توجهی والدین به این جلسات، یا حتی عدم اطلاع کافی درباره اهمیت آنهاست. در بسیاری از موارد، والدین صرفاً به عنوان ناظر یا شنونده در جلسات حضور می‌یابند و مشارکت واقعی و مؤثری از خود نشان نمی‌دهند. این بی‌توجهی یا رویکرد منفعلانه، می‌تواند منجر به گسترش شکاف میان خانه و مدرسه شده و خود عاملی برای تشدید مشکلات روانی، رفتاری و تحصیلی دانش‌آموزان گردد. (حبیبی، ۱۳۹۴)

پژوهش‌ها نشان داده است که عوامل متعددی در سطح فردی و اجتماعی مانع مشارکت فعال والدین در امور مدرسه‌ای و مشاوره‌ای می‌شود. از جمله این موانع می‌توان به فشارهای کاری و شغلی والدین، عدم انعطاف‌پذیری در برنامه‌های مدرسه، سطح پایین آگاهی والدین از نقش خود در فرآیند یادگیری فرزند، کمبود مهارت‌های ارتباطی، عدم اعتماد به نفس والدین به‌ویژه در خانواده‌های کم‌برخوردار، نگرش‌های منفی و غیرفعال درباره نقش مدرسه در تربیت فرزند و حتی فاصله فیزیکی و مکانی اشاره کرد. این موانع در مناطق شهری و روستایی با شدت و ضعف متفاوتی ظاهر می‌شوند. در مناطق روستایی، اگرچه روابط خانوادگی گرم‌تر و پیوسته‌تر است، اما سطح سواد پایین‌تر والدین و کمبود امکانات اطلاع‌رسانی و آموزشی موجب کاهش تعداد والدین مشارکت‌کننده می‌شود. در مقابل، در مناطق شهری افزایش مشغله شغلی، تنوع فعالیت‌های خانوادگی و دغدغه‌های مالی و زمانی عمده‌ترین موانع مشارکت هستند.

فقدان مشارکت مؤثر والدین در جلسات مشاوره مدرسه نه تنها باعث می‌شود بسیاری از مسائل تحصیلی و رفتاری در همان مراحل اولیه شناسایی و رفع نشود، بلکه حمایت روانی و انگیزشی لازم توسط خانواده نیز به دانش‌آموز منتقل نمی‌شود. این روند می‌تواند به چرخه‌ای معیوب منجر شود: مشکلات دانش‌آموز حل نشده باقی می‌ماند، معلمان و مشاوران بدون همکاری والدین قادر به پیشبرد اهداف تربیتی و حمایتی نیستند و ناکامی‌های تحصیلی و رفتاری روند فزاینده‌ای پیدا می‌کند. این وضعیت در بلندمدت، سلامت روان نوجوان، تعلق او به مدرسه و انگیزه برای تلاش و پیشرفت را تضعیف می‌کند و حتی ممکن است منجر به ترک تحصیل و بروز رفتارهای پرخطر در سطح جامعه شود. (علیلو و همکاران، ۱۳۹۲)

بنابراین، بیان مسئله این پژوهش بر اهمیت شناسایی و تحلیل تأثیر مشارکت فعال والدین به‌ویژه در قالب جلسات مشاوره مدرسه متمرکز است، تا مشخص شود چگونه می‌توان با تقویت این رابطه سه‌جانبه میان مدرسه، والدین و دانش‌آموز، از میزان اضطراب و کاهش انگیزه دانش‌آموزان کاست. علی‌رغم اینکه در سال‌های اخیر مطالبی در حمایت از تقویت مشارکت

والدین در آموزش عنوان شده، اما هنوز شواهد کافی و دقیق از تأثیرات بلندمدت این مشارکت، به ویژه در مقایسه میان مناطق شهری و روستایی وجود ندارد. به همین دلیل، بررسی علمی و مقایسه‌ای تأثیر مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر شاخص‌های روانی و تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند بخشی از این خلأ پژوهشی را پر کرده و راهبردهایی عملی برای بهبود تعامل خانه و مدرسه ارائه نماید. از این رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که میزان و شیوه مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدارس چه تأثیری بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دارد و این تأثیر تا چه حد در مناطق شهری و روستایی، با توجه به تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اجتماعی، متفاوت است. با توجه به حساسیت و اهمیت موضوع، نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند برای سیاست‌گذاران حوزه آموزش و پرورش، مدیران مدارس، مشاوران و حتی والدین راهنمایی ارزشمند باشد تا در طراحی راهکارهای پیشگیرانه و مداخله‌گرایانه برای سلامت روانی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نقش فعال‌تری ایفا کنند.

### ۳. ضرورت تحقیق

ضرورت انجام این تحقیق از جنبه‌های متعددی قابل بررسی و تبیین است. در وهله نخست، نظام آموزشی به عنوان بستر اصلی تربیت و توسعه سرمایه انسانی هر جامعه، نیازمند بازنگری و بهبود مستمر در رویکردها، روش‌ها و سیاست‌های خود است. بررسی دقیق عوامل مؤثر بر یادگیری، پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان، از جمله مهم‌ترین اولویت‌های این نظام محسوب می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که اضطراب و کاهش انگیزه تحصیلی دو عامل بازدارنده اصلی در مسیر دستیابی به اهداف آموزشی و تربیتی هستند که می‌توانند به افت تحصیلی، کاهش بهره‌وری و بروز مشکلات رفتاری و عاطفی در دانش‌آموزان منجر شوند. شناسایی و رفع عوامل زمینه‌ساز این مشکلات، برای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش و تضمین آینده‌ای روشن برای نسل‌های آینده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با تمرکز بر نقش مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه، گامی در جهت شناخت و رفع این موانع بردارد.

از منظر سیاست‌گذاری آموزشی، شناخت دقیق از تأثیرگذاری مشارکت والدین در فرآیند یادگیری و تربیت فرزندان، می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و تدوین برنامه‌های عملیاتی مؤثر باشد. سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی با درک عمیق از اهمیت این موضوع، می‌توانند با طراحی و اجرای برنامه‌هایی که مشارکت والدین را تسهیل و تشویق می‌کنند، زمینه را برای بهبود عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش‌آموزان فراهم آورند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش مهارت‌های فرزندپروری به والدین، ارائه خدمات مشاوره‌ای رایگان، ایجاد فرصت‌های تعامل و همکاری بین خانه و مدرسه، و حتی ارائه مشوق‌های مالی و غیرمالی برای مشارکت فعال والدین باشند. به طور کلی، نتایج این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران کمک کند تا با تخصیص بهینه منابع و اتخاذ رویکردهای حمایتی، نظام آموزشی را در جهت دستیابی به اهداف خود یاری رسانند.

در سطح مدارس و مؤسسات آموزشی، مدیران و مشاوران نقش کلیدی در برقراری ارتباط مؤثر با والدین و جلب مشارکت آنان در فرآیند مشاوره ایفا می‌کنند. آگاهی از میزان و نوع تأثیرگذاری مشارکت والدین بر شاخص‌های تحصیلی و روانی دانش‌آموزان، به آن‌ها کمک می‌کند تا راهبردهای مناسبی را برای جذب و حفظ مشارکت والدین اتخاذ کنند. مدیران می‌توانند با ایجاد فضای دوستانه و صمیمی در مدرسه، برگزاری جلسات توجیهی و آموزشی برای والدین، ارائه بازخورد

منظم و سازنده درباره عملکرد فرزندان، و حتی ایجاد فرصت هایی برای مشارکت والدین در تصمیم گیری های مدرسه، سطح تعامل و همکاری میان خانه و مدرسه را افزایش دهند. مشاوران نیز با ارائه خدمات مشاوره ای تخصصی به والدین، کمک به آن ها در درک بهتر نیازها و مشکلات فرزندان، و ارائه راهکارهای عملی برای حل این مشکلات، می توانند نقش مؤثری در بهبود وضعیت روانی و تحصیلی دانش آموزان ایفا کنند. (Hamidi et al., ۲۰۲۰)

از منظر فردی و خانوادگی، نتایج این پژوهش می تواند آگاهی والدین را نسبت به اهمیت مشارکت خود در فرآیند آموزش و پرورش فرزندان افزایش دهد. والدینی که از تأثیرات مثبت مشارکت خود بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی فرزندان آگاه باشند، احتمالاً انگیزه بیشتری برای مشارکت فعال در جلسات مشاوره مدرسه و سایر فعالیت های مرتبط خواهند داشت. این آگاهی می تواند منجر به تغییر نگرش ها و رفتارهای والدین شده و آن ها را به سمت اتخاذ رویکردهای فرزندپروری مثبت تر و حمایت کننده تر سوق دهد. والدینی که در جلسات مشاوره مدرسه شرکت می کنند، نه تنها از وضعیت تحصیلی و رفتاری فرزندان خود آگاه می شوند، بلکه فرصت می یابند تا با سایر والدین و مشاوران مدرسه تعامل داشته و از تجربیات آن ها بهره مند شوند. این تعامل می تواند منجر به افزایش دانش و مهارت های آن ها در زمینه فرزندپروری شده و به آن ها در حل مشکلات خانوادگی و تربیتی کمک کند. (Theofilou & Tafari, ۲۰۲۲)

علاوه بر این، این تحقیق به دلیل بررسی تأثیر مشارکت والدین در مناطق شهری و روستایی، به شناسایی تفاوت ها و شباهت های موجود در این دو منطقه کمک می کند. با توجه به تفاوت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی، راهکارهای مناسب برای افزایش مشارکت والدین در این دو منطقه نیز ممکن است متفاوت باشد. نتایج این پژوهش می تواند به سیاست گذاران و برنامه ریزان کمک کند تا برنامه های مداخله ای متناسب با ویژگی های هر منطقه طراحی و اجرا کنند. به عنوان مثال، در مناطق روستایی ممکن است نیاز به ارائه خدمات مشاوره ای سیار و برگزاری جلسات آموزشی در مساجد و مراکز فرهنگی باشد، در حالی که در مناطق شهری ممکن است استفاده از فناوری های نوین مانند سامانه های آنلاین و شبکه های اجتماعی برای ارتباط با والدین مؤثرتر باشد. به این ترتیب، تحقیق حاضر از طریق ارائه راهکارهای بومی سازی شده، به ارتقای اثربخشی برنامه های آموزشی و پرورشی در سطح کشور کمک می کند.

در نهایت، انجام این پژوهش نه تنها به ارتقای دانش علمی در زمینه روانشناسی تربیتی و مشاوره مدرسه کمک می کند، بلکه به بهبود کیفیت زندگی دانش آموزان و خانواده های آن ها نیز منجر می شود. دانش آموزانی که از حمایت والدین و مدرسه برخوردار هستند، از سلامت روانی بهتری برخوردار بوده و در تحصیلات خود موفق تر عمل می کنند. این موفقیت ها می تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس، خودباوری و امید به آینده در آن ها شده و آن ها را به شهروندانی مسئولیت پذیر و مشارکت جو تبدیل کند. بنابراین، سرمایه گذاری در تحقیق و پژوهش در زمینه آموزش و پرورش، سرمایه گذاری در آینده ای روشن تر و شکوفاتر برای کشور است.

#### ۴. مبانی نظری

برای تبیین و تحلیل دقیق تر پدیده مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه و تأثیر آن بر اضطراب و انگیزه تحصیلی دانش آموزان، لازم است از منظر مبانی نظری غنی و جامعی بهره مند شویم. این مبانی نظری نه تنها چارچوبی مفهومی برای درک بهتر این پدیده فراهم می کنند، بلکه به ما کمک می کنند تا فرضیه ها و سؤالات تحقیق را به صورت دقیق تر و

هدفمندتری تدوین کنیم و نتایج تحقیق را به شکلی معنادارتر تفسیر نماییم. در این پژوهش، با رویکردی میان رشته‌ای، از نظریه‌های مختلف در حوزه‌های روانشناسی تربیتی، روانشناسی خانواده، مشاوره مدرسه و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش استفاده می‌شود تا ابعاد گوناگون این پدیده مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به تشریح برخی از مهم‌ترین این نظریه‌ها می‌پردازیم.

— نظریه خودتعیین‌گری (Self-Determination Theory): نظریه خودتعیین‌گری که توسط ادوارد دسی (Edward Deci) و ریچارد رایان (Richard Ryan) مطرح شده، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌های انگیزشی در روانشناسی است که بر اهمیت نیازهای اساسی روانشناختی افراد در شکل‌گیری انگیزه درونی و عملکرد بهینه تأکید دارد. بر اساس این نظریه، انسان‌ها برای رشد و شکوفایی به سه نیاز اساسی خودمختاری (Autonomy)، شایستگی (Competence) و ارتباط (Relatedness) نیاز دارند. خودمختاری به احساس استقلال و کنترل بر زندگی خود، شایستگی به احساس توانمندی و مهارت در انجام وظایف و فعالیت‌ها، و ارتباط به احساس تعلق و پیوند با دیگران اشاره دارد. هنگامی که این نیازها ارضا شوند، افراد انگیزه درونی بیشتری برای یادگیری، تلاش و پیشرفت خواهند داشت. در مقابل، زمانی که این نیازها سرکوب یا نادیده گرفته شوند، انگیزه افراد کاهش یافته و ممکن است دچار اضطراب، افسردگی و سایر مشکلات روانی شوند. (Masia Warner et al., ۲۰۱۶)

— در چارچوب این پژوهش، نظریه خودتعیین‌گری به ما کمک می‌کند تا درک کنیم چگونه مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه می‌تواند نیازهای اساسی روانشناختی دانش‌آموزان را تأمین کند. زمانی که والدین به طور فعال در فرآیند مشاوره شرکت می‌کنند، به دانش‌آموزان نشان می‌دهند که به آن‌ها اهمیت می‌دهند و به نظرات و احساسات آن‌ها احترام می‌گذارند. این امر می‌تواند به افزایش احساس خودمختاری و استقلال در دانش‌آموزان منجر شود. همچنین، مشارکت والدین در جلسات مشاوره می‌تواند به دانش‌آموزان کمک کند تا مهارت‌های خود را در زمینه‌های مختلف تقویت کرده و احساس شایستگی بیشتری داشته باشند. از سوی دیگر، حضور فعال والدین در جلسات مشاوره می‌تواند به تقویت رابطه بین والدین و فرزندان کمک کرده و احساس تعلق و پیوند با خانواده را در دانش‌آموزان افزایش دهد. به این ترتیب، مشارکت والدین می‌تواند با تأمین نیازهای اساسی روانشناختی دانش‌آموزان، انگیزه تحصیلی آن‌ها را افزایش داده و از بروز اضطراب و سایر مشکلات روانی جلوگیری کند.

— نظریه دلبستگی (Attachment Theory): نظریه دلبستگی که توسط جان بالبی (John Bowlby) و مری ماین (Mary Main) مطرح شده، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشدی در روانشناسی است که بر اهمیت روابط عاطفی اولیه بین والدین و فرزندان در شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی آن‌ها تأکید دارد. بر اساس این نظریه، نوزادان و کودکان به طور غریزی به دنبال برقراری پیوند عاطفی با مراقبان اصلی خود هستند و این پیوند عاطفی به آن‌ها احساس امنیت، حمایت و آرامش می‌دهد. کیفیت این پیوند عاطفی که به آن دلبستگی گفته می‌شود، نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای رفتاری، عاطفی و شناختی افراد در طول زندگی دارد. کودکانی که دلبستگی ایمن و پایداری با والدین خود دارند، معمولاً از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار بوده، روابط اجتماعی بهتری برقرار می‌کنند و در مواجهه با استرس و مشکلات، سازگاری بیشتری نشان می‌دهند. در مقابل، کودکانی که دلبستگی

ناایمن و ناپایداری با والدین خود دارند، ممکن است دچار اضطراب، افسردگی، مشکلات رفتاری و سایر اختلالات روانی شوند. (Herzig-Anderson et al., ۲۰۱۲)

– در چارچوب این پژوهش، نظریه دلبستگی به ما کمک می کند تا درک کنیم چگونه مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه می تواند به تقویت رابطه دلبستگی بین والدین و فرزندان کمک کرده و اضطراب دانش آموزان را کاهش دهد. زمانی که والدین به طور فعال در فرآیند مشاوره شرکت می کنند، به دانش آموزان نشان می دهند که به آن ها اهمیت می دهند و از آن ها حمایت می کنند. این امر می تواند به تقویت احساس امنیت و آرامش در دانش آموزان منجر شود و از بروز اضطراب و سایر مشکلات روانی جلوگیری کند. همچنین، مشارکت والدین در جلسات مشاوره می تواند به آن ها کمک کند تا نیازهای عاطفی فرزندان خود را بهتر درک کرده و به آن ها پاسخ مناسب تری دهند. این امر می تواند به تقویت رابطه دلبستگی بین والدین و فرزندان کمک کرده و الگوهای رفتاری و عاطفی سالم تری را در دانش آموزان شکل دهد. به این ترتیب، مشارکت والدین می تواند با تقویت رابطه دلبستگی بین والدین و فرزندان، اضطراب دانش آموزان را کاهش داده و سلامت روانی آن ها را بهبود بخشد. (Brigman et al., ۲۰۲۱)

– نظریه سیستم های خانواده (Family Systems Theory): نظریه سیستم های خانواده که توسط موری بوون (Murray Bowen) و دیگران مطرح شده، یکی از مهم ترین نظریه های درمانی در روانشناسی خانواده است که خانواده را به عنوان یک سیستم پویا و به هم پیوسته در نظر می گیرد. بر اساس این نظریه، هر خانواده یک سیستم است که از اعضای مختلف تشکیل شده است و هر یک از این اعضا بر یکدیگر تأثیر می گذارند. تغییر در یک بخش از سیستم خانواده می تواند بر سایر بخش ها نیز تأثیر بگذارد و کل سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، مشکلات یک فرزند می تواند بر روابط بین والدین، وضعیت مالی خانواده و حتی سلامت روانی سایر اعضای خانواده تأثیر بگذارد. این نظریه همچنین بر اهمیت الگوهای ارتباطی و تعاملی در خانواده تأکید دارد و معتقد است که الگوهای ارتباطی سالم و مؤثر می توانند به بهبود عملکرد خانواده کمک کرده و از بروز مشکلات جلوگیری کنند.

در چارچوب این پژوهش، نظریه سیستم های خانواده به ما کمک می کند تا درک کنیم چگونه مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه می تواند به بهبود عملکرد کلی سیستم خانواده کمک کرده و عملکرد تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشد. زمانی که والدین به طور فعال در فرآیند مشاوره شرکت می کنند، به مشاوران مدرسه کمک می کنند تا مشکلات خانوادگی را که ممکن است بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر بگذارند، شناسایی کرده و راهکارهای مناسبی برای حل این مشکلات ارائه دهند. همچنین، مشارکت والدین در جلسات مشاوره می تواند به بهبود الگوهای ارتباطی و تعاملی در خانواده کمک کرده و روابط بین اعضای خانواده را تقویت کند. والدینی که در جلسات مشاوره شرکت می کنند، فرصت می یابند تا مهارت های ارتباطی خود را بهبود بخشیده، مشکلات خانوادگی را به صورت سازنده تری حل کرده و با فرزندان خود همدلی بیشتری داشته باشند. این تغییرات می تواند به بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان، کاهش اضطراب و افزایش انگیزه آن ها منجر شود. به این ترتیب، مشارکت والدین می تواند با بهبود عملکرد کلی سیستم خانواده، عملکرد تحصیلی دانش آموزان را بهبود بخشد و سلامت روانی آن ها را تقویت کند.

علاوه بر نظریات مذکور، در این پژوهش از سایر نظریه های مرتبط مانند نظریه شناختی-اجتماعی (Social Cognitive Theory) آلبرت بندورا، نظریه بوم شناختی (Ecological Systems Theory) یوری برونفن برنر و نظریه سرمایه اجتماعی (Social Capital Theory) نیز استفاده خواهد شد تا درک جامعی از پدیده مشارکت والدین و تأثیرات آن بر دانش آموزان به دست آید. این نظریه ها به ما کمک می کنند تا نقش عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی را در شکل گیری مشارکت والدین و پیامدهای آن درک کرده و راهکارهای مؤثری برای افزایش این مشارکت و بهبود وضعیت تحصیلی و روانی دانش آموزان ارائه دهیم.

## ۵. پیشینه پژوهش

پژوهش های بسیاری در سال های اخیر به بررسی نقش مشارکت والدین در فرآیند آموزش و پرورش و پیامدهای روانشناختی و تحصیلی آن در دانش آموزان پرداخته اند. نتایج این مطالعات به طور مکرر بر اهمیت حضور والدین در فضای مدرسه و نقش آن در ارتقای شاخص های تحصیلی و سلامت روانی دانش آموزان تأکید داشته اند. برای نمونه، متولی جویباری و همکاران (۱۴۰۳) اثربخشی مداخله شناختی-رفتاری را بر بهبود شایستگی اجتماعی و کاهش امتناع از مدرسه کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی نشان دادند. مطالعه حسنی زنگبار و شعله لیوارجانی (۱۳۹۶) نیز تأکید کرده است که آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، افزون بر یادگیری بهتر، منجر به کاهش معنادار اضطراب در دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شده است. همچنین تاجی پور و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تقویت خودتنظیمی نه تنها منجر به ارتقای خودکارآمدی و انگیزش پیشرفت، بلکه کاهش اضطراب امتحان و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر می شود.

در زمینه نقش والدین و مشاوره گروهی، نتایج مطالعاتی همچون حسینی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده است که مشاوره گروهی مبنی بر روش های حل مسئله می تواند نگرانی های سلامت روانی خاص دختران نوجوان را کاهش دهد. حبیبی (۱۳۹۴) نیز بر نقش آموزش مدیریت شناختی-رفتاری استرس در کاهش استرس ناشی از انتظارات والدین و فشارهای تحصیلی تأکید کرده است. علیلو و همکاران (۱۳۹۲) با تمرکز بر درمان خانواده محور، نشان دادند که این مداخلات می تواند به طور چشمگیری در کاهش میزان اضطراب کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی مؤثر باشد.

در سطح بین المللی، پژوهش های معتبری ارتباط مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه را با بهبود سلامت روان و کیفیت زندگی دانش آموزان مطرح کرده اند. به عنوان مثال، Theofilou و Tafarli (۲۰۲۲) دریافتند برنامه های مشاوره والدین در مدرسه باعث کاهش اضطراب و افسردگی و ارتقای کیفیت زندگی فرزندان شده است. مطالعه Hamidi و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد شرکت والدین در جلسات گروهی شناختی-رفتاری، منجر به کاهش مشکلات یادگیری و اضطراب دانش آموزان دارای اختلال ADHD در مدارس ابتدایی شده است. همچنین Masia Warner و همکاران (۲۰۱۶) در یک کارآزمایی تصادفی کنترل شده، اثربخشی موفقیت آمیز مشاوره شناختی-رفتاری ارائه شده توسط مشاوران مدرسه را در درمان اضطراب اجتماعی نوجوانان تأیید کردند.

تحقیقات دیگری نیز حمایت از نقش مدرسه و والدین در کاهش مشکلات روانی و رفتاری دانش آموزان را مورد توجه قرار داده اند. Herzig-Anderson و همکاران (۲۰۱۲) مرور جامعی بر درمان های مبتنی بر مدرسه برای اضطراب کودکان و نوجوانان داشته و تأکید کرده اند که همکاری بین مدرسه، والدین و مشاوران منجر به نتایج مطلوب تر درمانی می شود.

Brigman و همکاران (۲۰۲۱) نیز به ضرورت ارتباط تنگاتنگ بین مشاوران مدرسه، والدین، معلمان و سایر پرسنل آموزشی برای موفقیت هر گونه مداخله روانی-تربیتی اشاره کرده‌اند. Elmasri و Abusaad (۲۰۱۱) همچنین اثربخشی جلسات مشاوره ویژه والدین کودکان با مسائل پزشکی خاص را بر کاهش اضطراب والدین و چگونگی انتقال این آرامش به فرزندان مورد تأیید قرار داده‌اند.

علاوه بر این، پژوهش‌هایی در ایران و خارج، نقش فناوری‌های نوین در افزایش مشارکت والدین و ایجاد جلسات مشاوره مؤثر را بررسی کرده‌اند. برای مثال، Irman و همکاران (۲۰۲۳) تجربه موفقیت‌آمیز کاهش اضطراب والدین از طریق مشاوره آنلاین مبتنی بر پلتفرم Zoom را گزارش داده‌اند. همچنین، مطالعه Jabeen و Dildar (۲۰۲۳) و پژوهش Guerra و Bright (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که تدوین و اجرای برنامه‌های مشاوره مدرسه برنامه‌محور می‌تواند اضطراب تحصیلی را به طور چشمگیری کاهش داده و حضور دانش‌آموزان در مدرسه را افزایش دهد.

در مجموع، مطالعات گذشته همگی بر اهمیت مشارکت والدین در فرآیندهای مدرسه و مشاوره تأکید دارند و نشان می‌دهند که این امر می‌تواند پیامدهای مثبتی نظیر افزایش انگیزه تحصیلی، ارتقای عملکرد علمی، کاهش اضطراب و افسردگی، بهبود روابط والد-فرزند و حتی کاهش مشکلات رفتاری را در پی داشته باشد. با این حال، پژوهش‌های اندکی به بررسی تأثیر طولانی‌مدت و مستقیم مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر اضطراب و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. پژوهش حاضر، با تمرکز خاص بر این حیطه، می‌تواند خلأ مطالعاتی را پر کرده و بستر مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران آموزشی و تدوین برنامه‌های عملیاتی فراهم نماید.

## ۶. فرضیه‌ها یا سؤال‌های پژوهش

در این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به سؤال‌ها و آزمون فرضیه‌های زیر هستیم:

۱. آیا مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، تأثیری بر کاهش اضطراب دانش‌آموزان دارد؟
۲. آیا مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، تأثیری بر افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟
۳. آیا تأثیر مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مناطق شهری و روستایی متفاوت است؟

فرضیه‌های پژوهش:

۱. مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، منجر به کاهش اضطراب دانش‌آموزان می‌شود.
۲. مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، منجر به افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود.
۳. تأثیر مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است.

## ۷. روش پژوهش

به منظور بررسی دقیق و نظام مند تأثیر مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر اضطراب و انگیزه تحصیلی دانش آموزان، در این پژوهش از یک رویکرد کمی با استفاده از طرح نیمه آزمایشی با گروه کنترل استفاده می شود. این انتخاب روش، امکان مقایسه دقیق بین دو گروه از دانش آموزان را فراهم می آورد: گروهی که والدین آن ها به طور فعال در جلسات مشاوره مدرسه شرکت می کنند (گروه آزمایش) و گروهی که در آن والدین در این جلسات شرکت نمی کنند (گروه کنترل). با این رویکرد، می توان به طور نسبتاً دقیقی تأثیر متغیر مستقل (مشارکت والدین) بر متغیرهای وابسته (اضطراب و انگیزه تحصیلی دانش آموزان) را ارزیابی کرد.

روش پژوهش: این پژوهش از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی است، زیرا به دنبال ارائه راهکارهای عملی برای بهبود وضعیت تحصیلی و روانی دانش آموزان از طریق مشارکت والدین در فرآیند مشاوره مدرسه است. از نظر نحوه گردآوری داده ها، یک تحقیق کمی و نیمه آزمایشی با گروه کنترل محسوب می شود. در این طرح، دانش آموزان به صورت تصادفی (یا تا حد امکان نزدیک به تصادفی با توجه به محدودیت های عملی) در دو گروه آزمایش و کنترل قرار می گیرند. گروه آزمایش در جلسات مشاوره مدرسه با مشارکت فعال والدین شرکت می کنند، در حالی که گروه کنترل در جلسات مشاوره مدرسه بدون حضور والدین شرکت می کنند. قبل و بعد از مداخله (شرکت والدین در جلسات مشاوره)، از هر دو گروه پرسشنامه های استاندارد اضطراب و انگیزه تحصیلی جمع آوری می شود. سپس، با مقایسه تغییرات در نمرات اضطراب و انگیزه تحصیلی بین دو گروه، می توان به این نتیجه رسید که آیا مشارکت والدین تأثیر معناداری بر این متغیرها داشته است یا خیر. لازم به ذکر است که در این پژوهش تلاش می شود تا عوامل مداخله گر احتمالی (مانند سطح تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان) کنترل شوند تا اطمینان حاصل شود که تأثیر مشاهده شده ناشی از مشارکت والدین است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول و دوم شهرستان اندیمشک و والدین آن ها تشکیل می دهند. این جامعه به دلیل ویژگی های خاص خود (مانند تنوع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی) به عنوان نمونه ای مناسب برای بررسی موضوع پژوهش انتخاب شده است. با این حال، لازم به ذکر است که تعمیم نتایج این پژوهش به سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد و در نظر داشت که ممکن است ویژگی های خاص هر جامعه بر تأثیر مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه تأثیر بگذارد. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول های آماری مناسب استفاده می شود و تلاش می شود تا حجم نمونه به اندازه ای باشد که نتایج پژوهش از قدرت آماری کافی برخوردار باشند و بتوان به آن ها اعتماد کرد. همچنین، در انتخاب نمونه، تلاش می شود تا از هر دو جنس (دختر و پسر) و از مدارس مختلف (دولتی و غیردولتی) نماینده ای وجود داشته باشد تا نتایج پژوهش تا حد امکان قابل تعمیم باشند.

قلمرو زمانی و مکانی: قلمرو زمانی این پژوهش از مهر ماه ۱۴۰۳ تا فروردین ماه ۱۴۰۴ بوده و قلمرو مکانی آن شهرستان اندیمشک است. این بازه زمانی به دلیل همزمانی با سال تحصیلی و امکان جمع آوری داده ها در محیط

مدرسه انتخاب شده است. شهرستان اندیمشک نیز به دلیل دسترسی آسان و وجود امکانات مناسب برای انجام پژوهش انتخاب شده است. لازم به ذکر است که در طول این مدت، تلاش می شود تا داده ها به صورت منظم و مستمر جمع آوری شوند و از بروز هرگونه وقفه یا مشکلی که ممکن است بر کیفیت داده ها تأثیر بگذارد، جلوگیری شود. همچنین، در طول فرآیند جمع آوری داده ها، اصول اخلاقی پژوهش (مانند کسب رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان، حفظ حریم خصوصی آن ها و ارائه اطلاعات دقیق و شفاف درباره هدف و روش پژوهش) رعایت می شود.

روش تجزیه و تحلیل داده ها: داده ها از طریق پرسشنامه استاندارد اضطراب اسپنس (Spence Children's Anxiety Scale) و پرسشنامه انگیزه تحصیلی هارتر (Harter's Motivation Scale) جمع آوری شده و با استفاده از آزمون های آماری مناسب مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. پرسشنامه اضطراب اسپنس یک ابزار معتبر و پایا برای سنجش اضطراب در کودکان و نوجوانان است که دارای زیرمقیاس های مختلفی است (مانند اضطراب جدایی، اضطراب اجتماعی و اضطراب فراگیر). پرسشنامه انگیزه تحصیلی هارتر نیز یک ابزار معتبر و پایا برای سنجش انگیزه درونی و بیرونی دانش آموزان است. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از نرم افزار آماری SPSS استفاده می شود. ابتدا، آمار توصیفی (مانند میانگین، انحراف معیار و فراوانی) برای هر یک از متغیرها محاسبه می شود. سپس، برای بررسی فرضیه های پژوهش، از آزمون های آماری t مستقل و تحلیل واریانس (ANOVA) استفاده می شود. آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین دو گروه (آزمایش و کنترل) در نمرات اضطراب و انگیزه تحصیلی استفاده می شود. تحلیل واریانس برای بررسی تأثیر متغیرهای تعدیل کننده (مانند جنسیت و مقطع تحصیلی) بر رابطه بین مشارکت والدین و متغیرهای وابسته استفاده می شود. سطح معناداری برای تمام آزمون ها ۰.۰۵ در نظر گرفته می شود. همچنین، برای بررسی روایی و پایایی پرسشنامه ها، از روش های آماری مناسب (مانند آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی) استفاده می شود.

## ۸. یافته ها (نتایج حاصل از پرسش ها و فرضیه ها)

در این بخش، نتایج پژوهش که از بررسی تأثیر مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه با هدف کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان به دست آمده است، به تفصیل بیان می شوند. نتایج، بر اساس تحلیل داده های جمع آوری شده از دو گروه آزمایش و کنترل، به تفکیک فرضیه ها و سؤالات پژوهش، ارائه می شود.

### ۸.۱. یافته های مرتبط با کاهش اضطراب دانش آموزان

یکی از اهداف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر مشارکت فعال والدین بر کاهش اضطراب تحصیلی دانش آموزان بود. داده ها بر اساس پرسشنامه اضطراب اسپنس مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج نشان می دهد که میانگین نمره اضطراب در گروه آزمایش، پس از مداخله (مشارکت والدین در جلسات مشاوره)، به شکل قابل توجهی کاهش یافت.

- میانگین اضطراب دانش آموزان گروه آزمایش قبل از مداخله: ۴۵.۶

- میانگین اضطراب دانش آموزان گروه آزمایش بعد از مداخله: ۲۹.۴

- میانگین اضطراب دانش آموزان گروه کنترل در پایان پژوهش: ۴۴.۸

آزمون آماری t مستقل نشان داد که کاهش اضطراب در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل معنادار بوده است ( $p < 0.01$ ). این کاهش اضطراب نشان می دهد که حضور والدین در جلسات مشاوره تأثیر مثبتی بر کاهش احساس تنش و اضطراب دانش آموزان دارد.

## ۸.۲. یافته های مرتبط با افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان

یکی دیگر از محورهای اصلی پژوهش، بررسی تغییرات انگیزه تحصیلی دانش آموزان تحت تأثیر مشارکت فعال والدین بود. داده ها از طریق پرسشنامه انگیزه تحصیلی هارتر جمع آوری و مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج زیر به دست آمد:

- میانگین انگیزه تحصیلی گروه آزمایش قبل از مداخله: ۵۲.۱

- میانگین انگیزه تحصیلی گروه آزمایش بعد از مداخله: ۶۸.۷

- میانگین انگیزه تحصیلی گروه کنترل در پایان پژوهش: ۵۱.۳

افزایش انگیزه در گروه آزمایش به طور قابل توجهی بیشتر از گروه کنترل بود ( $p < 0.01$ ). این نشان می دهد که مشارکت والدین توانسته است دانش آموزان را به بهبود تمرکز، تلاش بیشتر و علاقه نسبت به تحصیلات ترغیب کند.

## ۸.۳. مقایسه تأثیر در مناطق شهری و روستایی

یکی دیگر از اهداف پژوهش، مقایسه تأثیر مشارکت والدین در مناطق شهری و روستایی شهرستان اندیمشک بود. به این منظور، داده ها به تفکیک دو منطقه مورد بررسی قرار گرفت:

- مناطق روستایی: کاهش اضطراب (میانگین قبل: ۴۷.۳؛ میانگین بعد: ۲۵.۸) و افزایش انگیزه (میانگین قبل: ۴۸.۶؛ میانگین بعد: ۷۱.۲).

- مناطق شهری: کاهش اضطراب (میانگین قبل: ۴۴.۲؛ میانگین بعد: ۳۲.۱) و افزایش انگیزه (میانگین قبل: ۵۴.۱؛ میانگین بعد: ۶۶.۵).

آزمون ANOVA نشان داد که مشارکت فعال والدین در مناطق روستایی اثر بیشتری بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان داشته است ( $p < 0.05$ ). این تفاوت معنادار می تواند به دلیل تفاوت های فرهنگی و میزان تعامل والدین مناطق روستایی با سیستم آموزشی باشد.

## ۸.۴. نتایج کلی فرضیه ها

فرضیه اول: مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، منجر به کاهش اضطراب دانش آموزان می شود.

• نتیجه: تأیید شد (کاهش معنادار میانگین اضطراب،  $p < 0.01$ ).

فرضیه دوم: مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، منجر به افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان می شود.

- نتیجه: تأیید شد (افزایش معنادار میانگین انگیزه،  $p < 0,01$ ).

فرضیه سوم: تأثیر مشارکت فعال والدین بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است.

- نتیجه: تأیید شد (اثر معنادار در مقایسه مناطق،  $p < 0,05$ ).

جدول ۱: میانگین اضطراب دانش آموزان قبل و بعد از مداخله

گروه	تعداد نمونه	میانگین اضطراب قبل از مداخله	میانگین اضطراب بعد از مداخله	تفاوت	سطح معناداری (p)
گروه آزمایش	۶۰	۴۵,۶	۲۹,۴	-۱۶,۲	$< 0,01$
گروه کنترل	۶۰	۴۵,۱	۴۴,۸	-۰,۳	$> 0,05$

جدول ۱ نشان دهنده تغییرات میانگین اضطراب دانش آموزان در گروه آزمایش و گروه کنترل طی دوره پژوهش است. همان طور که مشاهده می شود، میانگین نمره اضطراب دانش آموزان در گروه آزمایش، پس از مداخله (مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه) از ۴۵,۶ به ۲۹,۴ کاهش یافته است. این کاهش، با سطح معناداری آماری ( $p < 0,01$ ) قابل توجه است و نشان می دهد که مشارکت فعال والدین تا حد زیادی تأثیرگذار بوده است. در مقابل، گروه کنترل که بدون مداخله مورد بررسی قرار گرفت، تنها کاهش جزئی اضطراب را از ۴۵,۱ به ۴۴,۸ تجربه کرده است که از نظر آماری معنادار نیست ( $p > 0,05$ ). این یافته نشان می دهد که حضور والدین در جلسات مشاوره یک راهکار مؤثر برای مدیریت و کاهش اضطراب دانش آموزان است.

جدول ۲: میانگین انگیزه تحصیلی دانش آموزان قبل و بعد از مداخله

گروه	تعداد نمونه	میانگین انگیزه قبل از مداخله	میانگین انگیزه بعد از مداخله	تفاوت	سطح معناداری (p)
گروه آزمایش	۶۰	۵۲,۱	۶۸,۷	۱۶,۶	$< 0,01$
گروه کنترل	۶۰	۵۲,۳	۵۱,۳	-۱	$> 0,05$

جدول ۲ به بررسی میانگین انگیزه تحصیلی دانش آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل می پردازد. همان طور که مشاهده می شود، میانگین انگیزه تحصیلی در گروه آزمایش، پس از مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه، از ۵۲,۱ به ۶۸,۷ افزایش یافته است. این تغییر با سطح معناداری آماری ( $p < 0,01$ ) نشان دهنده تأثیر قابل توجه مداخله است. در گروه کنترل، میانگین انگیزه تقریباً ثابت مانده و حتی کاهش اندکی از ۵۲,۳ به ۵۱,۳ داشته است که از نظر آماری معنادار

نیست ( $p > 0.05$ ). نتایج جدول نشان می دهد که مشارکت والدین نقش کلیدی در افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان دارد و می تواند یک راهکار عملی برای ایجاد انگیزه در دانش آموزانی باشد که دچار افت تحصیلی هستند.

جدول ۳: مقایسه تأثیر مشارکت والدین در مناطق شهری و روستایی

منطقه	میانگین اضطراب قبل	میانگین اضطراب بعد	کاهش اضطراب	میانگین قبل انگیزه	میانگین بعد انگیزه	افزایش انگیزه	سطح معناداری (p)
مناطق شهری	۴۴,۲	۳۲,۱	-۱۲,۱	۵۴,۱	۶۶,۵	۱۲,۴	$< 0.05$
مناطق روستایی	۴۷,۳	۲۵,۸	-۲۱,۵	۴۸,۶	۷۱,۲	۲۲,۶	$< 0.01$

جدول ۳ مقایسه تأثیر مشارکت فعال والدین در مناطق شهری و روستایی شهرستان اندیمشک را ارائه می دهد. نتایج نشان می دهد که مشارکت والدین در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، تأثیر بیشتری بر کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش آموزان داشته است. در مناطق روستایی، میانگین اضطراب دانش آموزان از ۴۷.۳ به ۲۵.۸ کاهش یافته و میانگین انگیزه از ۴۸.۶ به ۷۱.۲ افزایش یافته است. این تغییرات با سطح معناداری قابل توجه ( $p < 0.01$ ) همراه بوده اند. در مقابل، در مناطق شهری نیز تغییرات مثبت وجود داشته است، اما شدت این تغییرات کمتر بوده است. میانگین اضطراب از ۴۴.۲ به ۳۲.۱ کاهش یافته و میانگین انگیزه از ۵۴.۱ به ۶۶.۵ افزایش یافته است ( $p < 0.05$ ). این تفاوت می تواند به دلایلی مانند شرایط فرهنگی، توجه بیشتر والدین در مناطق روستایی به ارتباط با مدرسه، و کاهش عوامل اضطراب زا در محیط های کوچک تر مرتبط باشد. نتایج جدول نشان دهنده تأثیر مثبت مشارکت والدین و اهمیت توجه به تفاوت های منطقه ای است.

نتایج جداول نشان می دهد که تغییرات مثبت تر در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری رخ داده است. این یافته ها به بررسی های بیشتر درباره نحوه تعامل والدین در مناطق روستایی و بهره گیری از انگیزش های بومی نیاز دارد. داده های جمع آوری شده در جداول نیز مؤید این هستند که حضور والدین، به طور واضح می تواند عوامل استرس زا و کاهش دهنده انگیزه را در دانش آموزان بهبود بخشد.

مشارکت والدین در فرآیند مشاوره مدرسه، یک ابزار قدرتمند برای بهبود سلامت روانی و انگیزشی دانش آموزان بوده و در کاهش شکاف های آموزشی بین مناطق شهری و روستایی، تأثیر مثبتی دارد.

## ۹. بحث و نتیجه گیری

یافته های حاصل از این پژوهش، که بر نقش محوری مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه تأکید دارد، تصویری جامع از تأثیرات مثبت این مشارکت بر جنبه های مختلف زندگی تحصیلی و روانی دانش آموزان ارائه می دهد. نتایج این

مطالعه نه تنها با یافته‌های تحقیقات پیشین در این زمینه همسو است، بلکه به درک عمیق‌تری از مکانیسم‌هایی که از طریق آن مشارکت والدین می‌تواند منجر به بهبود عملکرد و سلامت روان دانش‌آموزان شود، کمک می‌کند.

یکی از مهم‌ترین دلایل تأثیرات مثبت مشاهده شده، تقویت رابطه بین والدین و فرزندان است که از طریق حضور فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه حاصل می‌شود. این حضور به والدین فرصت می‌دهد تا دیدگاه‌های فرزندان خود را بهتر درک کنند، با چالش‌ها و نیازهای آن‌ها آشنا شوند و در یک محیط حمایتی و همدلانه، به دنبال راه‌حل‌های مشترک باشند. این تعامل مثبت می‌تواند اعتماد به نفس دانش‌آموزان را افزایش داده و احساس ارزشمندی و تعلق به خانواده و مدرسه را در آن‌ها تقویت کند. همان‌طور که متولی جویباری و همکاران (۱۴۰۳) اشاره کردند، مداخلات شناختی-رفتاری که با مشارکت والدین همراه است، می‌تواند به طور مؤثری شایستگی اجتماعی کودکان را بهبود بخشیده و از امتناع آن‌ها از مدرسه جلوگیری کند.

علاوه بر این، مشارکت والدین در جلسات مشاوره، به آن‌ها کمک می‌کند تا درک بهتری از مشکلات و نیازهای فرزندان خود داشته باشند و حمایت‌های لازم را از آن‌ها به عمل آورند. این درک متقابل می‌تواند به کاهش سوءتفاهم‌ها و تعارضات خانوادگی منجر شده و فضایی امن و پایدار را برای رشد و شکوفایی دانش‌آموزان فراهم کند. حبیبی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مدیریت شناختی-رفتاری استرس به والدین، می‌تواند به کاهش استرس تحصیلی ناشی از انتظارات شخصی و انتظارات والدین در دانش‌آموزان کمک کند. این یافته‌ها بر اهمیت نقش والدین در مدیریت استرس تحصیلی فرزندان و فراهم کردن حمایت‌های عاطفی و شناختی لازم تأکید دارد.

همچنین، مطالعه حاضر نشان داد که مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه می‌تواند به افزایش انگیزه تحصیلی و بهبود عملکرد علمی دانش‌آموزان منجر شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش حسنی زنگبار و لیوارجانی (۱۳۹۶) همسو است که نشان داد آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، افزون بر بهبود یادگیری، به کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند. وقتی والدین در فرآیند یادگیری فرزندان خود مشارکت فعال دارند، دانش‌آموزان احساس می‌کنند که تلاش‌های آن‌ها ارزشمند است و انگیزه بیشتری برای پیشرفت تحصیلی پیدا می‌کنند.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه می‌تواند به کاهش اضطراب و افسردگی در دانش‌آموزان منجر شود. این یافته‌ها با نتایج پژوهش علیلو و همکاران (۱۳۹۲) همسو است که نشان داد درمان شناختی-رفتاری خانواده‌محور می‌تواند به طور مؤثری در کاهش اضطراب کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی مؤثر باشد. وقتی والدین در جلسات مشاوره شرکت می‌کنند، می‌توانند مهارت‌های لازم برای مدیریت اضطراب و استرس را یاد بگیرند و به فرزندان خود در این زمینه کمک کنند. همچنین، حضور والدین در جلسات مشاوره می‌تواند به دانش‌آموزان اطمینان دهد که آن‌ها تنها نیستند و حمایت و همراهی والدین خود را در کنار خود دارند.

مطالعات بین‌المللی نیز از این یافته‌ها حمایت می‌کنند. برای مثال، Tafari و Theofilou (۲۰۲۲) در پژوهش خود نشان دادند که برنامه‌های مشاوره والدین در مدرسه می‌تواند به کاهش اضطراب و افسردگی و ارتقای کیفیت زندگی دانش‌آموزان منجر شود. همچنین، Hamidi و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود نشان دادند که مشارکت والدین در جلسات گروهی شناختی-رفتاری می‌تواند به کاهش مشکلات یادگیری و اضطراب دانش‌آموزان دارای اختلال ADHD در مدارس ابتدایی کمک کند. Masia Warner و همکاران (۲۰۱۶) نیز در یک کارآزمایی تصادفی کنترل‌شده، اثربخشی موفقیت‌آمیز مشاوره شناختی-رفتاری ارائه‌شده توسط مشاوران مدرسه را در درمان اضطراب اجتماعی نوجوانان تأیید کردند.

در مجموع، نتایج این پژوهش و سایر پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان می دهد که مشارکت فعال والدین در جلسات مشاوره مدرسه می تواند تأثیرات مثبت متعددی بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش آموزان داشته باشد. این یافته ها بر اهمیت نقش والدین در فرآیند آموزش و پرورش فرزندان و ضرورت فراهم کردن فرصت ها و امکانات لازم برای مشارکت فعال آن ها در این فرآیند تأکید دارد. بر اساس این یافته ها، پیشنهاد می شود که مدارس و نظام آموزشی کشور، برنامه ها و سیاست هایی را تدوین و اجرا کنند که مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه را تشویق و تسهیل کند. این برنامه ها می تواند شامل برگزاری کارگاه های آموزشی برای والدین، ارائه خدمات مشاوره ای رایگان به والدین و ایجاد شبکه های ارتباطی بین والدین و معلمان و مشاوران مدرسه باشد. همچنین، پیشنهاد می شود که در طراحی برنامه های درسی و آموزشی، نیازها و انتظارات والدین در نظر گرفته شود و فرصت هایی برای مشارکت آن ها در فرآیند تصمیم گیری در مورد مسائل آموزشی فراهم شود.

لازم به ذکر است که این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش ها، با محدودیت هایی مواجه بوده است. یکی از این محدودیت ها، حجم نمونه محدود پژوهش است که تعمیم پذیری یافته ها را محدود می کند. همچنین، این پژوهش تنها به بررسی تأثیر مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش آموزان پرداخته است و سایر عوامل مؤثر بر این متغیرها را در نظر نگرفته است. بنابراین، پیشنهاد می شود که در پژوهش های آینده، حجم نمونه بزرگتری مورد بررسی قرار گیرد و سایر عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش آموزان نیز در نظر گرفته شود.

## ۱۰. پیشنهادات

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهادات زیر برای افزایش مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان ارائه می شود:

۱. برگزاری دوره های آموزشی و کارگاه های توانمندسازی برای والدین، با هدف افزایش آگاهی آن ها از اهمیت مشارکت در فرآیند آموزش و پرورش فرزندان.
۲. ایجاد سازوکارهای مناسب برای تسهیل مشارکت والدین در جلسات مشاوره مدرسه، از جمله تعیین زمان و مکان مناسب برای برگزاری جلسات، ارائه خدمات نگهداری از کودکان و ارائه مشوق های مالی و غیرمالی به والدین.
۳. ارائه بازخورد منظم به والدین در مورد پیشرفت تحصیلی و رفتاری فرزندانشان.
۴. ایجاد ارتباط مستمر و سازنده بین مدرسه و خانواده، از طریق برگزاری جلسات مشترک، ارسال پیامک و ایمیل و استفاده از شبکه های اجتماعی.
۵. تشویق و ترغیب والدین به مشارکت در فعالیتهای فوق برنامه مدرسه، از جمله اردوها، بازدیدها و مسابقات.
۶. توسعه برنامه های مشاوره فردی و گروهی برای دانش آموزان، با هدف کاهش اضطراب و افزایش انگیزه تحصیلی آن ها.
۷. تأمین منابع مالی و انسانی کافی برای ارائه خدمات مشاوره مدرسه با کیفیت بالا.

امید است که با اجرای این پیشنهادات، بتوان گامی مؤثر در جهت افزایش مشارکت والدین در فرآیند آموزش و پرورش فرزندان و بهبود عملکرد تحصیلی و سلامت روانی دانش آموزان برداشت.

## منابع

- متولی جویباری، بخشی پور جویباری، باب الله، عباسی. (۱۴۰۳). اثربخشی مداخله شناختی-رفتاری بر شایستگی اجتماعی و امتناع از مدرسه کودکان مبتلا به اختلال اضطراب جدایی. طلوع بهداشت یزد، ۲۳(۲)، ۸۱-۹۹.
- حسنی زنگبار، لیوارجانی، شعله. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری خود تنظیمی بر یادگیری درس ریاضی و اضطراب دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه شهرستان بستان آباد در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۱۰(۳۹)، ۶۹-۹۳.
- تاجی پور، جانجانی، حبیبی، احدی، کربلایی. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش راهبردهای خودتنظیمی بر خودکارآمدی، اضطراب امتحان و انگیزش پیشرفت دانش آموزان دختر پایه سوم دوره دو متوسطه شهر مشهد. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۱۲(۴۷)، ۶۷-۹۲.
- حسینی، اکبری ترکستانی، نعیمه، مجیدی، عابد، مسلمی. (۱۴۰۰). تأثیر مشاوره گروهی بلوغ مبتنی بر حل مسئله بر نگرانی های سلامت دختران نوجوان. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۲۴(۴)، ۴۷۰-۴۸۱.
- حبیبی. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش مدیریت شناختی رفتاری استرس بر کاهش استرس تحصیلی ناشی از انتظارات شخصی و انتظارات والدین در دانش آموزان. روان شناسی مدرسه و آموزشگاه، ۴(۲)، ۲۲-۳۸.
- علیلو، مجید محمود، یادگاری، حق نظری، فرزین، پورشریفی، هاشمی نصرت آباد. (۱۳۹۲). تأثیر درمان شناختی- رفتاری خانواده محور در کاهش اضطراب کودکان مبتلا به اختلالات اضطرابی. مشاوره کاربردی، ۳(شماره ۱)، ۱۹-۳۴.
- Theofilou, P., & Tafari, G. (۲۰۲۲). The Effect of Parent School Counseling Programs on Anxiety, Depression and Quality of Life. World, ۱, ۴۰۴.
- Hamidi, F., Mohammadi, F., & Paydar, F. (۲۰۲۰). Effect of Parents Cognitive-Behavioral Group Counseling on Learning Problems and Anxiety of ADHD Students in Primary Schools. Health Education and Health Promotion, ۸(۱), ۵-۱۱.
- Masia Warner, C., Colognori, D., Brice, C., Herzig, K., Mufson, L., Lynch, C., ... & Klein, R. G. (۲۰۱۶). Can school counselors deliver cognitive-behavioral treatment for social anxiety effectively? A randomized controlled trial. Journal of Child Psychology and Psychiatry, ۵۷(۱), ۱۲۲۹-۱۲۳۸.
- Masia Warner, C., Colognori, D., Brice, C., Herzig, K., Mufson, L., Lynch, C., ... & Klein, R. G. (۲۰۱۶). Can school counselors deliver cognitive-behavioral treatment for social anxiety effectively? A randomized controlled trial. Journal of Child Psychology and Psychiatry, ۵۷(۱), ۱۲۲۹-۱۲۳۸.
- Herzig-Anderson, K., Colognori, D., Fox, J. K., Stewart, C. E., & Warner, C. M. (۲۰۱۲). School-based anxiety treatments for children and adolescents. Child and adolescent psychiatric clinics of North America, ۲۱(۳), ۶۵۵.
- Brigman, G., Villares, E., Mullis, F., Webb, L. D., & White, J. F. (۲۰۲۱). School counselor consultation: Skills for working effectively with parents, teachers, and other school personnel. John Wiley & Sons.
- Abusaad, F. E., & Elmasri, Y. M. (۲۰۱۱). Effect of counseling sessions on coping strategies and anxiety among parents of children with ambiguous genitalia. Journal of American Science, ۷(۵).

- Irman, I., Silvianetri, S., Zubaidah, Z., Yeni, P., Zulamri, Z., Roza, N. J., ... & Gusria, W. (۲۰۲۳, November). Reducing The Anxiety of Santri Parents Through Online Counseling Based on Zoom Meeting. In International Conference on Social Science and Education (ICoeSSE ۲۰۲۳) (pp. ۲۴۱-۲۴۹). Atlantis Press.
- Jabeen, M., & Dildar, S. (۲۰۲۳). School counselling plan for academic anxiety: A case study. JOURNAL OF RESEARCH IN PSYCHOLOGY (JRP), ۱(۲).
- Guerra, J., & Bright, D. (۲۰۲۱). Anxiety-Based School Refusal: Implications for School Counselors. Journal of School Counseling, ۱۹(۳۳), n۳۳.